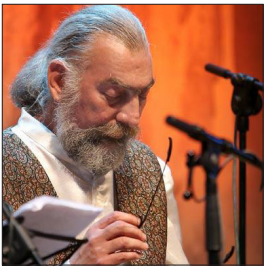


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

در کوچه‌باغ‌های نشاپور



پرویز مشکاتیان سال ۱۳۳۴ در نیشابور به دنیا آمد. مقدمات موسیقی را نزد پدرش آموخت. سال ۱۳۵۳ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. ردیف میرزا عبدالله را نزد نور علی خان برومند و ردیف موسیقی سنتی را نزد داریوش صفوت آموخت. نوازندگی سنتور را در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی با جدیت ادامه داد و با مهارت چشمگیریش توانست کارهای بزرگی در زمینه آهنگسازی و نوازندگی سنتور به‌ویژه در زمینه ساخت قطعات همنوایی

(ارکسترال)، تصنیف و نیز تکنوازی انجام دهد. در آزمون موسیقی «باربد» به همراه پشنگ کامکار مقام نخست رشته سنتور، و همراه با داریوش طلائی، مقام ممتاز ردیف‌نوازی را به‌دست آورد.

مشکاتیان همسر سابق افسانه‌ها شجریان بوده و صاحب دو فرزند به نام‌های آوا و آیین است.

از سال ۱۳۵۶ همکاری با رادیو را آغاز کرد ولی پس از واقعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ از رادیو استعفا داد و مؤسسه جاووش را با همکاری هنرمندان گروه عارف و شهیدآتشکیل داد. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ با شجریان به عنوان آهنگساز و نوازنده همکاری داشت. نتیجه این همکاری آثار ماندگاری چون بیداد، آستان جانان، بسّ عشق، گنبد مینا و… بود. پس از قطع همکاری با شجریان، با خوانندگانی چون ایرج بسطامی، علیرضا افتخاری و شهرام ناظری همکاری کرد. او همچنین در فستیوال جهانی موسیقی تحت عنوان «روح زمین» در کشور انگلستان شرکت کرد و مقام نخست را به دست آورد.

پرویز مشکاتیان در تاریخ ۲۹ شهریور سال ۱۳۸۸ در تهران درگذشت و در جوار مقبره عطار نیشاپوری به خاک سپرده شد.

خودزنی / محیط زیست

باران‌های شهر یور؛ رحمت یا زحمت؟

برخی از همکاران مطبوعاتی طی گزارش‌هایی این پرسش را مطرح کرده‌اند که چرا با وجود بارندگی‌های اخیر باز هم دم از بحران آب می‌زنیم و چرا هر بارانی که می‌بارد منجر به سیل می‌شود و جان تنی چند از هموطنان مان را می‌گیرد. پرسشی است نیکو که پاسخ آن روشن است؛ ما شیره جان زمین را مکیده‌ایم. بیش از ظرفیتش از آن آب گرفته‌ایم. مدت‌هاست سفره‌های زیرزمینی ما خشکیده‌اند. باید منظورم را از خشک شدن سفره‌های زیرزمینی توضیح دهم؛ منظور این نیست که خبری از آب در این سفره‌ها نیست (که البته نیست)، فاجعه این است که گسل‌های موجود بر روی این سفره‌ها از میان رفته‌اند. در سفره‌های زیرزمینی دیگر خبری از گسل نیست. برای همین است که آب باران به زیر خاک نفوذ نمی‌کند. بر سطح زمین می‌ماند، منجر به سیل می‌شود و خرابی به بار می‌آورد. بعد هم پخش زمین می‌ماند و می‌ماند تا اینکه به لطف انوار خورشید خانم!! تبخیر شود و روز از نو روزی از نو…

وقتی سطح خاک آنقدر خشک شده که آب را به خود نمی‌پذیرد طبیعی است که کارشناسان ما کم‌اگان دم از بحران آب بزنند و از بی‌بنا‌ند و البته از آن طرف هم احتمال وقوع سیل بر اثر بارندگی فزونی یابد. البته این حرف‌ها اصلا به این معنی نیست که بی‌توجهی ما در مواجهه با سیل امری توجیه‌پذیر است. ما به هیچ وجه آماده مقابله با بالابای طبیعی همچون سیل نیستیم. در خبرها آمده بود: «برابر آخرین اطلاعات دریافتی شمار کشته‌شدگان سیل اخیر در سراسر کشور به ۱۲ تن رسید و آخرین مورد آن مربوط به جسدی بود که چندی پیش در محدوده پاکدشت کشف شد. با این حساب ۵تن در سیل پاکدشت، یک‌تن در شهری، یک‌تن در بجنورد، یک‌تن در آذرشهر و ۴تن نیز در بندرعباس به علت سیل و سیلاب جان خود را از دست داده‌اند.» تازه هنوز خبری از برآورد دقیق خسارات مالی ناشی از سیل نیست. واقعا نگران‌کننده است. مردم ما مصیبت و بدبختی کم ندارند. مردم به باران محتاج‌اند. در سراسر ایران ما به باران محتاجیم. تنها راه نجات ما باران است. اما اگر دیر بچنینم همین باران دوست‌داشتنی هم مبدل به کابوسمان خواهد شد. اگر قرار باشد هر باران دوساعته‌ای منجر به سیل شود و جان عده‌ای را بگیرد و خانواده‌هایی را داغدار کند، کدام ایرانی دست دعا به سوی آسمان برخواهد داشت و از خداوند طلب باران خواهد کرد؟ ما باید برای باران‌هایی که در راهدن آماده شویم. سازمان مدیریت بحران کشور باید برای ماه‌های باقی‌مانده از سال جاری چاره‌ای بیندیشد. هم برای حفظ و ذخیره باران‌هایی که می‌بارند و هم برای نجات مردم از مرگ بر اثر سیل…

به یاد کشتگان سیل اخیر در ایران زیر لب زم‌زمه می‌کنم:

وای باران

باران

شیشه‌ی پنجره را باران شست

از دل من اما

چه کسی نقش تو را خواهد شست؟



فارسی را پاس بداریم

متکدیان در دور پایانی مذاکرات هسته‌ای

نمی‌دانم ما ایرانی‌ها چه اصراری داریم به اینکه به عنوان شاعر یا نویسنده شناخته شویم. از سیاست‌مدار گرفته تا اننده تا کسی دعوی نویسندگی و شاعری داریم بی‌آنکه اندک دانشی در این زمینه داشته باشیم. حال و روز روزنامه‌نگاران و خبرنگاران مان که نگفتنی است. باور بفرمایید «من خود به چشم خویشتم» دیده‌ام سردبیری!! را که برای انتخاب تیتریک گزارش معمولی به گریه افتاده است از فرط ناتوانی. اغراق نمی‌کنم. بالاخره ما ایرانی هستیم و همه چیزمان باید به همه چیزمان بیاید. برای سردبیر شدن البته در سرزمین ما آنچه لازم نیست، توان نوشتن و خوب نوشتن و صاحب‌قلم بودن است. ضوابط که مهم نیست. مهم روابط است. همچون دیگر عرصه‌ها.

امروز در بخش وبلاگ‌های یکی از خبرگزاری‌های پر مخاطب‌مان چرخي زدم و برخوردم به یادداشت‌های مثلاً روزانه یکی از سردبیران محترم آن خبرگزاری از شرح سفرهایش به وین!! در آخرین دور مذاکرات هسته‌ای!!!

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

اقتصاد ایران به کدام سو می‌رود؟

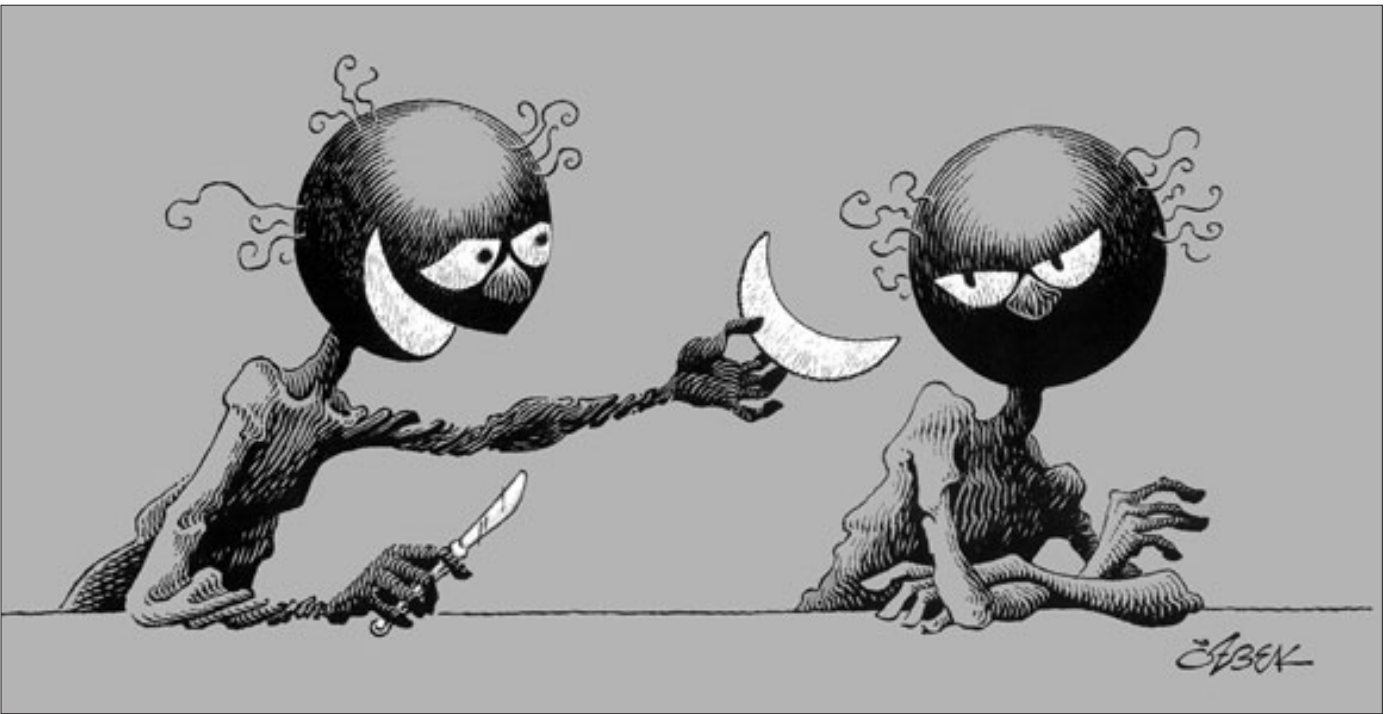
جامع‌ترین تحقیق اقتصاد کلان ایران روانه بازار نشر شد

«اقتصاد ایران به کدام سو می‌رود؟» عنوان مهم‌ترین کتاب تاریخ کلان اقتصاد ایران است که اخیرا به قلم مسعود نیلی و همکارانش راهی بازار نشر ایران شده است. این کتاب از سه بخش و ۲۰ فصل تشکیل شده که در هر فصل، موضوع مشخصی بررسی شده‌وتوالی این فصول به گونه‌ای است که در نهایت بتوان با دقت و عمق مناسب وضعیت فعلی و چالش‌های پیش روی اقتصاد ایران را شناسایی کرد. روایت اصلی این پژوهش در ۹ مجلد تنظیم شده است و مولف برای سهولت دسترسی عمومی به نتایج پژوهش، خلاصه آن را در مجلد حاضر منتشر کرده است. پژوهش یادشده که با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران و پژوهشکده مطالعات اقتصادی و صنعتی دانشگاه صنعتی شریف انجام شده، جامع‌ترین تحقیق انجام‌شده در سطح اقتصاد کلان ایران به‌شمار می‌رود. پروژه مطالعاتی «عوامل تاثیرگذار بر عملکرد میان‌مدت اقتصاد ایران» در زمستان سال ۱۳۹۰ از طرف پژوهشکده مطالعات اقتصادی و صنعتی شریف به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران پیشنهاد شد که پس از بررسی در شورای مشاوران اقتصادی اتاق و انجام اصلاحات و اضافه کردن برخی محورها، در قالب قراردادی میان اتاق تهران و دانشگاه صنعتی شریف آغاز شد.

اولین ویژگی این تحقیق را می‌توان به حوزه‌پوشش موضوعی آن نسبت داد. مطالعه حاضر را شاید بتوان جامع‌ترین تحقیق انجام‌شده در سطح «اقتصاد کلان» ایران دانست. حوزه‌های مختلف سیاستگذاری شامل سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری در کنار شناخت ویژگی‌های اصلی اقتصاد ایران در زمینه‌های بازار کار، بازار مالی شامل بازار پول و بازار سرمایه و وضعیت فقر و توزیع درآمد، بدنه اصلی آشنایی با اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهند.

ویژگی دوم، به کار بردن دیک مطالعه به مسائل اصلی سیاست‌گذاری‌های مهم، و پرچالش مقطع زمانی موجود اقتصاد ایران مربوط می‌شود. افزایش قیمت انرژی به صورت جهشی و در مقیاس

گردش روزگار برعکس است



نامت را به من بگو/ دستت را به من بده/ حرفت را به من بگو/ قلبت را به من بده/ من ریشه‌های تو را در یافته‌ام/ با لبانت برای همه لب‌ها سخن گفته‌ام…
(احمد شاملو)
طرح: Eray Ozbek / تر کیه

با کاروان حله / اخبار هنر

شایعه است، من سرطان ندارم



کریم‌ستف رضاعی آهنگساز فیلم‌هایی چون کنعان، چهل سالگی، چه خوبه که برگشتی، نارنجی‌پوش و در دنیای تو ساعت چند است؟، به تازگی برای کار خود در فیلم «ماهی و گربه» در هفدهمین جشن خانه سینما برنده تندیس و دیپلم افتخار بهترین موسیقی شد.

اخیرا از گوشه و کنار شنیده می‌شد این آهنگساز ایرانی-فرانسوی مبتلا به سرطان شده اما خود او

در این باره گفته است: بزنم به تخته حامل کاملاً خوب است و سرحال هستم. این یک شایعه بی‌مورد است و به هیچ‌وجه صحت ندارد.

او در باره غیبتش در جشن خانه سینما هم توضیح داد: پیش از دعوت به جشن خانه سینما برای رونمایی موسیقی متن فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» از مدت‌ها پیش به کتابخانه‌ای قدیمی در رشت دعوت شده بودم و جمعیت زیادی به این برنامه دعوت شده بودند. چاره‌ای جز حضور در این برنامه نداشتم. از نظر اخلاقی هم درست نبود به این رونمایی نروم به همین دلیل ترجیح دادم در جشن خانه سینما حاضر نشوم. او ضمن گالایه از توزیع بد موسیقی فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» در باره موفقیت موسیقی این فیلم گفت: اتفاقاتی که در متن فیلم افتاد کاملاً با موسیقی آن هماهنگ بود و تصویر هم این وسط کمک زیادی به موسیقی کرد. این اثر ناخودآگاه حسی نوستالژیک را در مردم برمی‌انگیخت. یکی از نکات جالب این بود که در جشن اعضای فیلم متوجه شدم مخاطب این اثر بیشتر قشر جوان زیر ۳۰ سال هستند.

چون کاز دلم ز زلف او ماند گره
بر هر رگ جان، صد آرزو ماند گره
امیدز گریه بود. افسوس! افسوس!
کان هم شب وصل در کلو ماند گره
(رودکی سمرقندی، قرن سوم، رباعیات)

سوت پایان



اقتصاد ایران به کدام سو می‌رود؟
مسعود نیلی و همکاران
انتشارات دنیای اقتصاد
قیمت: ۶۰ هزار تومان
۸۰۰ صفحه

اقتصاد ایران به کدام سو می‌رود؟
مسعود نیلی و همکاران
انتشارات دنیای اقتصاد
قیمت: ۶۰ هزار تومان
۸۰۰ صفحه

مطالعه ویژگی چهارم این تحقیق که به آن جایگاه ممتازی می‌بخشد، رویکرد آینده‌نگارانه آن است. مطالعه موجود خود را محدود به شناخت ساز و کارهای وضع موجود نکرده و در صدد آن برآمده‌تا تصویر آینده اقتصاد ایران را در قالب سناریوها و شرایط محیطی متفاوت ترسیم کند. حاصل تحقیق موجود در شکل نهایی خود، یک برنامه اقتصاد کلان برای افق زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۲ است که می‌تواند به عنوان یک مبنا برای دولت جدید مورد استفاده قرار گیرد.

بزرگ، پرداخت یارانه تقلدی و به میزان مساوی به همه

مردم در کنار اصرار بر ثابت نگه‌داشتن سایر قیمت‌های

مهم اقتصاد از قبیل نرخ ارز و نرخ سود بانکی را می‌توان

اصلی‌ترین مشخصه‌های تغییرات اعمال شده در بازار انرژی کشور در سال ۱۳۸۹ تحت عنوان هدفمندسازی یارانه‌ها دانست. پس از اعمال این سیاست‌ها سولات زیادی در مورد آثار و پیامدهای آن مطرح شد. بخشی از این سولات معطوف به پیامدهای رفاهی این اقدام بود.

اینکه چه گروه‌های درآمدی منتفع و چه گروه‌هایی متضرر شده‌اند و تفاوت وضعیت نسبی جامعه‌روستایی قبل و پس از اعمال سیاست و مشابه همین ارزیابی در مورد جامعه شهری بخشی از این سولات را تشکیل می‌داد.

ویژگی سوم مطالعه حاضر را می‌توان در توجه آن به مسائل جهانی به طور اعم و مناطق و کشورهای مشخص به طور اخص شناسایی کرد. اتحادیه‌ها، پیمان‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌کشوری یک بعد مهم در شرایط جاری جهانی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.

ویژگی چهارم این تحقیق که به آن جایگاه ممتازی می‌بخشد، رویکرد آینده‌نگارانه آن است. مطالعه موجود خود را محدود به شناخت ساز و کارهای وضع موجود نکرده و در صدد آن برآمده‌تا تصویر آینده اقتصاد ایران را در قالب سناریوها و شرایط محیطی متفاوت ترسیم کند. حاصل تحقیق موجود در شکل نهایی خود، یک برنامه اقتصاد کلان برای افق زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۲ است که می‌تواند به عنوان یک مبنا برای دولت جدید مورد استفاده قرار گیرد.